



چندسند چاپ نشده از دوره دو پهلوی

تحقیق در تاریخ پنجاه و چند ساله اخیر ایران ، مانند هر دوره دیگر ، بدون توجه به مدارك اساسی کامل نتواند بود و هرچه در ارائه اسناد استوار کوشش شود امکان عرضه کردن رویه واقعی تاریخ بیشتر خواهد بود . مخصوصاً شناخت و مقدار حیثیت احوال و شخصیت رجالی که در کارها دخیل بوده اند منوط به ارائه اسنادیست که کیفیت اعمال خوب و یا بد آن را بر ملا می کند . پس کاریک کتابدار و گره کننده سند جز این نیست که آنچه را به دست می آورد ، در معرض افکار قرار دهد . به این ملاحظه است که درین صفحات چند سندی را به چاپ می رسانم که تا حدودی گویای نحوه عمل و رفتاری است که نسبت به وزیران و سناتوران مرعی می داشته اند و چون درین چند ماه اخیر به برکت مبارزات وحدوت انقلاب امکان نمایان شدن و نمودن این نوع اعمال که در دوره پنجاه ساله مرسوم بوده است پیش آمده است انتشار این اسناد موید علت بروز انقلاب و لزوم آن خواهد بود .

دو سند اول مربوط است به دوران وزارت مالیه سید حسن تقی زاده و در حقیقت اخطارنامه هائی است به او که طرز عماش در آن وزارتخانه مورد قبول و رضایت شاه نیست . ملتفت بشود که در صورت ادامه آن رویه ناچار باید از کار کنار برود . از مصادر امور آن ایام شنیده ام که رویه پهلوی اول در مورد کسانی که از آنها ناراضی می شد ارسال همین نوع اخطارهای بهانه آمیزی بود که بوی «توبیخ» می داد و طرف میبایست حساب کار خود را بکند . یا تسلیم شود و یا او را کنار

بردند . وزیر نمی بایست شخصیت داشته باشد و خود را مسوول بداند ، اگر چه طبق قانون اساسی او مسوول بود و شاه غیر مسوول .
نمونه بسیار عالی اش دو نامه محرمانه ای است که به خط و امضای حسین شکوه (شکوه الملك) یعنی رئیس دفتر مخصوص دربار به تقی زاده (وزیر مالیه در کابینه مخبر - السلطنه) نوشته شده است .
نامه اول مورخ ۲۵/۳/۱۳۱۲ تذکاری است در مورد اینکه چرا وزیر مالیه بدون کسب اجازه ، لایحه ای را به منظور فروش املاک خالصه به رعایای شبستر به مجلس داده بوده است ، یعنی وزیر حق نداشته است که به مسوولیت خود چنین عملی را بکند . پس عکس العمل اقدام او این است که : «بطوری که مسبق هستید وقتی که بنای لایحه دادن به مجلس باشد باید قبلاً خاطر ملوکانه از مورد آن مطلع گردیده و با اجازه اقدام شود . معلوم نیست در این مورد چرا تحصیل اجازه نشده است .

چون ذات مقدس شاهانه از لحاظ خیر و صلاح مملکت مایل هستند از کلیه امور مسوق و مستحضر باشند و خود را مسؤل سعادت مملکت می دانند نمی توانند این اقدامات را با لایقندی تلتی بفرمایند و غفلت از مقررات را اجازه بدهند . اولیای امور یا باید خودشان از روی عتیده و ایمان مراقب حفظ سیر و ترتیب مقرر باشند یا آنها را به اجرای مقررات مجبور و متوجه خواهند نمود . لایحه راجع به شبستر چون بدون اجازه به مجلس داده شده بود می بایستی مسترد گردد . محض احترام جنابعالی این دفعه صرف نظر می نمود ، ولی در صورت تکرار امر به استرداد لوایح صادر خواهد شد...»

است که چرا جنابعالی با مقررات و ترتیبات آشنا نمی شوید...»
 نکته اینجاست که یک روز پس از صدور و ابلاغ این نامه (یعنی در روز بیست و یکم شهریور) مخبر السلطنه استعفای دولت خود را تقدیم می کند و چون مخبر السلطنه در کتاب خاطرات و خطرات اشاراتی به دلتنگی یعنی عصبانیت شاه نسبت به تقی زاده دارد پس علی القاعده استعفای مخبر السلطنه یک روز پس از صدور نامه مذکور، مرتبط است با تصمیم هیات دولت که بر اساس پیشنهاد وزیر مالیه گرفته شده بوده است. مخبر السلطنه در خاطرات و خطرات (ص ۴۰۱ و ۴۰۲) می نویسد:
 «نزدیک غروب شاه مرا خواست... اظهار ناراضمندی از دوسه نفر از وزراء کردند و فرمودند همه استعفا بدهید. این تکلیف استعفا خیلی به خوشی بود. عرض کردم اجازه بفرمائید

اکنون اگر از وزیر رضایت حاصل نباشد او را مرخص خواهند فرمود!
 اینک می پردازد به معرفی سند سوم که از دوره پهلوی دوم است. این سند هم ضمن آنکه حکایت از میزان اختیار اعضای قوه مقننه دارد نشان دهنده انتظاری است که از رجال سیاسی مملکت می داشته اند و تعجب می کرده اند از اینکه کسی هم خلاف رای سلطان مختصر رائی داشته باشد.
 سند سوم خود حاوی سه نوشته است: یکی نامه ای از حسین علاء در مقام وزارت دربار و دیگر گزارش ماموری از اداره انتشارات و رادیو و سوم جواب تقی زاده به حسین علاء. این سه نوشته مربوط است به مصاحبه ای که میان تقی زاده و مخبر روزنامه نیویورک تایمز در روز ۲۷ مهر ماه ۱۳۴۰ با حضور نماینده اداره انتشارات و رادیو وقوع یافته است و نماینده

محرمانه

۱۰۲۵
۱۳۶۲۰

جناب سقراط میرزا تقی زاده محترم

در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...
 در ۲۰ مهر ۱۳۴۰، در دفتر خانوار ملک در تهران، تقی زاده...
 این سند...

صبح استعفا عرض کنم. فرمودند همین حالا... از تقی زاده به دو جهت دلتنگ بودند. یکی آنکه تقی زاده فرمایشی که میشد اگر محتاج بود به مجلس می برد و قانونی می کرد. دیگر آنکه مبلغی از ارز نفت موقتا به مصرف خرید طلا زد، بود، نوبتی در موقع شرفیابی و کلا اشاره کرده بودند که تقی زاده در هر وزارتخانه دزدی گذارده است. مقصود محاسبین بود که از طرف مالیه در وزارتخانه ها مامور بودند و مطلوب نبود... در دوره پهلوی هیچکس اختیار نداشت. تمام امور میبایست به عرض برسد و به آنچه فرمایش می رود رفتار کنند... یکی از مسائلی که من به پهلوی خاطر نشان کردم این بود که عمال دولت در مسئولیت خود اختیار ندارند...
 استنباط از آنچه مخبر السلطنه می نویسد گویای رویه پهلوی اول نسبت به اختیارات وزراء در آن عهد است. تابدان جا که برآفتن از عمل یک وزیر موجب مجبور کردن رئیس دولت به استعفا می شده است.
 عکس دو نامه شکوه الملك به تقی زاده را درج می نمایم تا محققان به تمام نوشته دسترسی داشته باشند.
 از مرادبزرگوارم، اللهیار صالح، شنیدم که در سوابق و اوراق وزارت مالیه * نامه ای از حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص به تقی زاده دیده بوده اند که در آن به استعفای تقی زاده از وزارت مالیه اشاره شده و بدین مضمون ابلاغ شده بوده است که استعفا دادن وزراء مربوط به دوره های هوچی گری بود.
 * پس از تقی زاده، علی اکبر داور در کابینه محمدعلی فروغی (ذکاء الملك) وزیر مالیه شد و صالح به خواهش داور از وزارت عدلیه به وزارت مالیه منتقل شد. صالح در تمام دوران خدمت داور صاحب منصب مقدم وزارتخانه و طرف اعتماد کامل داور بود و مناصب مدیر کلی و بعدها معاونت وزارتخانه را برعهده داشت.

آن این صریح و شایسته فرجه غیر رتبه بدیم در شریک بر ابراست با در اول دست نام
 در مؤتمن این مصارف سوتانین نامم اگر بر اینها دست فریدار کردم نگرش و در مؤتمن
 بر صریح زبرد از این که در دست نامم بر در دست بود اما جناب در عقیده خزان در دست
 صریح در دست بود در نظر گرفته بعد در جناب در اجاره در دست در دست بود
 فریدار طبع است اگر با نام نامم در دست در دست در دست در دست در دست
 سوتانین صریح در دست در دست در دست در دست در دست در دست
 صریح در دست در دست در دست در دست در دست در دست
 در دست در دست در دست در دست در دست در دست



قرار داده‌ام. قضاوت در مورد آن با منتقدان تاریخ و اجتماع است. من به هر نوع سندی به دیده احترام می‌نگرم و هر سندی را قابل نگاه داشتن می‌دانم. هر کس جزین فکر کند همفکر خواهد بود با کسانی که در دستگاههای حکومت ایران اسناد تحولات اجتماعی و اسناد و کتب مبارزاتی ملت ایران درین پنجاه سال را برای خوش خدمتی به دولت از میان برده‌اند.

گزارش راهنمایی آقای هاریسون سالیسبوری

محترماً گزارش ملاقات و مصاحبه آقای هاریسون سالیسبوری مفسر نیویورک تایمز را با جناب آقای سید حسن تقی‌زاده و همچنین مسافرت پنج روزه ایشان را با صفهان و شیراز بعرض میرساند:

طبق تقاضای قبلی آقای سالیسبوری ساعت ۱۱ روز ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ مشارالیه را بمنزل جناب آقای تقی‌زاده واقع در دروس راهنمایی نمودم. ابتدا آقای تقی‌زاده ضمن طرح سئوالاتی با آقای سالیسبوری آشنائی بیشتر پیدا کرده سپس از اینکه ایشان بایران آمده و حقایق اوضاع را از نزدیک مشاهده میکنند اظهار خوشوقتی نمودند. پس از اندکی صحبت در موضوعات عادی از قبیل آب و هوا و غیره از انتخابات صحبت بمیان آمد. آقای تقی‌زاده ضمن یادآوری هائی از انتخابات گذشته گفتند که اصولاً در ایران انتخابات بتمام معنی آزاد آنطوریکه در امریکا معمول است هرگز بعمل نیامده و مردم تاکنون هیچگاه آنطور که شایسته است از انتخابات استقبال نکرده‌اند و علت عمده آنستکه نسبت به انتخابات خوش بین نیستند.

آقای تقی‌زاده نظرات عده‌ای را که می‌گویند «در صورت آزادی کامل ممکن است دست چپها موفق گردند لذا انتخابات

اداره مذکور گزارشی از شنیده‌های خود را به اداره خود داده و از آنجا به دربار فرستاده شده بوده و مالا به اطلاع شاه رسیده است و چون شاه نسبت به مطلبی از آن اظهار تعجب می‌کند وزیر دربار از تقی‌زاده که در آن وقت رئیس مجلس سنا بود پرسشی می‌کند و جوابی دریافت می‌کند که سندی است تاریخی از اختناق در تاریخ ایران.

ازین میان سند مهم همین جواب تقی‌زاده است که در آن آزاد نبودن انتخابات را (بجز دوره های اول و دوم) تایید و نظر خود را نسبت به جبهه ملی (که در آن اوقات فعالیت دوره دوم خود را در نهایت علاقه شروع کرده بود) بیان کرده است یعنی مطلبی که وقوف بر آن خالی از فایده برای محققان تاریخ دوره اخیر نیست و ضمناً در پایان نامه بطور تلویحی حضور نماینده اداره انتشارات را مورد سرزنش قرار داده است. بهر تقدیر این جواب گویای رویه‌ای است که نسبت به اعضای قوه مقننه مجرامی داشته‌اند و هر چیزی و سخنی مورد نظارت تام و تمام بوده است. وقتی در مورد تقی‌زاده چنین میشده است نسبت به دیگران چه شدت عملها که نمیشده تاریخ رویه آنها را پسندیده می‌دانند که در کارنامه‌اند تا مجبور به قبول تحکم باشند.

اینک متن سه نوشته نقل می‌شود: ابتدا گزارش اداره انتشارات و رادیو و پس از آن نامه حسین علاء و سپس جواب تقی‌زاده. ضمناً بگویم که ارائه این اسناد به قصد کمک به تاریخ نویسی دوره معاصرست یعنی وظیفه‌ای که بر عهده یک کتابدار و گردآورنده اسنادست. مقصود دفاع از تقی‌زاده نیست که این امر از نوع کارمن نیست. در جای دیگر هم نوشته‌ام که هم مشرب و همفکر سیاسی و اجتماعی او نبوده‌ام. فراماسون هم نبوده‌ام و نیستم. ولی تقی‌زاده مقداری نوشته و سند داشت که برای تاریخ ایران و تحولات اجتماعی آن مفید بوده است و این وظیفه چون منی بوده است که در دسترس

نمی‌تواند در ایران آزاد باشد رد کرده و گفتند فرض کنیم ضمن یک انتخابات آزاد عده معدودی مثلا چهار یا پنج نفر توده‌ای انتخاب شوند. این عده کاری از پیش نخواهند برد. زیرا اکثریت چنین مجلسی را میهن پرستان و ملیون تشکیل خواهند داد و جلو افراط کاری و اظهار وجود چند نفر معدود خود بخود بسته خواهد شد. وقتی از رویه دولت آقای دکتر امینی نسبت بامر انتخابات صحبت شد آقای تقی‌زاده گفتند که نسبت به آن خوش بین نیستند. صحبت به جبهه ملی کشیده شد و آقای تقی‌زاده تأیید کردند که دکتر مصدق پیر شده و کنار رفته و شاید هم کنار برده شده است و در هر حال عده‌ای از اسم و شهرت او استفاده کرده و خود را نماینده گروهی از مردم ایران میدانند. شاید حق با ایشان باشد و در بین ایشان عده‌ای اساتید دانشگاه تهران هستند که این جنبش را اداره میکنند و در عده‌ای از دانشجویان نفوذ دارند.

آقای تقی‌زاده تأیید کردند که این عده مصدقی بهیچ وجه باتوده‌ایها یعنی کمونیستها روی خوشی ندارند. ولی تعدادی مخالف دارند که ایشانرا به داشتن تمایلات چپ می‌تهمینمایند. آقای تقی‌زاده این اتهام را نیز رد کرده و جبهه مصدقی‌ها را صدر صد یک جبهه ملی باتمایلات شدید

ناسیونالیستی دانستند. آقای تقی‌زاده شخص اول مملکت را بسیار وارد در امور و دموکرات و آزادی خواه دانستند، ولی اضافه نمودند که همه اطرافیان شخص اول مملکت ممکن است اشخاص صالحی نباشند و بخواهند بعضی از امور و احساسات مردم را نزد ایشان وارونه جلوه دهند. آقای تقی‌زاده خواست و تمایل رئیس مملکت را برای اصلاح امور و از بین بردن مشکلات تأیید نمودند. ولی گفتند که در اجرای این نظرات سعی لازم بعمل نمی‌آید.

وقتی آقای سالیسبوری از احساسات اهالی شهرستانها و نقاط دور از تهران نسبت به شاهنشاه سؤال کرد آقای تقی‌زاده جواب دادند «خودت بروی و ببینی و بایشان صحبت کنی و از افراد در این باره سؤال نمائی بهتر است تا من اینجا جوابی بدهم».

وقتی از نظرات مردم نسبت بدولت امریکا و کمک آن دولت سؤال شد آقای تقی‌زاده تأکید نمودند که در ایران حتی یک نفر نیست که از دادن کمک امریکا بایران گله و شکایت کند. همه از این کمکها ممنون و متشکرند و قودردانی مینمایند. منتهی تمام شکایات و گله‌ها در طرز استفاده از این کمک و نحوه خرج آنست. ایشان گفتند که در ایران عده‌ای هستند که عتیقه داران کمکهای امریکا در راه حواب خرج نمیشود و عتداری از آن پایمال میگردند.

در باره پیمانهای دفاعی بغداد و پس از آن سنتو و تزیبی طرفی سؤال شد آقای تقی‌زاده گفتند در ایران از همان ابتدا همیشه عده‌ای بوده‌اند که از شرکت در هر گونه پیمانی با خارجی‌ها دل خوشی نداشتند و عده‌ای هم هستند که طرفدار رویه بی طرفی مانند رویه هندوستان هستند و آنرا روشی آید، آل برای ایران میدانند. معهدا گفتند شاید بیشتر گله‌ها از قرار داد دوجانبه ایران و امریکا ناشی شده باشد.



دربار شاهنشاهی

شماره ۴۷

تاریخ ۱۲۴۰

پوست

محرمانه

جناب آقای تقی‌زاده

گزارش شماره ۱۸۴۴۲ ط ۱۷/۱۶/۲۶۰ / فرم ۸/۸/۴۰

اداره کل انتظامات و رادیر متضمن شرح ملاقات و مصاحبه آقای هاریسون سالیسبوری Harrison Salisbury با جنابعالی بشرف عرض مبارک ملوکانه رسید.

شاهنشاه از بیانات جنابعالی نسبت به "جبهه ملی" اظهار تعجب فرمودند. رونوشت گزارش مزبور به پیوست ارسال میگردد. خواهشمند است آنرا ملاحظه فرموده اعلام فرمائید آیا با اظهارات جنابعالی کاملا مطابق است یا نه؟

وزیر دربار شاهنشاهی

جناب آقای علامه وزیر محترم دربار

که بنام او انجمن بود

با ایشاد و قبول هر قوه / و فرجه / انبار بخاری / سنی / کشف / حقیقت / اظهار / آنکه / کج / از

صفای / اراده / اطلاع / بمانند / کسناد / داد / بود / و / بضمیمه / شورای / انبار / ارشاد / آن / شخص / در / باب / فعالیت / خیره / روز

های / ها / سوره / السور / غیر / نیو / و / کر / تا / غیر / در / این / ان / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

ملاحظه / کردم / و / متاسفانه / دیدم / که / این / ارشاد / انبار / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

خوب / نبود / و / لذا / اگر / می / دارای / استنباط / می / بود / که / در / بعضی / از / آنها / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

از / آن / نوشته / است / بنام / گشت / نسبت / برداش / اگر / انبار / در / باب / استنباط / است / خوش / پس / نیست

از / این / نامه / است / که / در / ام / تا / هر / انبار / است / است / اگر / در / این / نامه / است / خوش / پس / نیست

است / باشد / قابل / ملاحظه / نیست / ولی / اگر / می / نظر / به / این / نامه / است / است / اگر / در / این / نامه / است / خوش / پس / نیست

لب / بین / مردم / حقا / یا / بخلا / چنین / است / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

اما / ما / صحیح / نیست / من / هیچ / وقت / نگفته / ام / که / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

این / که / اولین / دو / مین / مجلس / شورای / ملی / و / ساحه / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

من / نگفته / ام / که / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

است / نسبت / با / انتخابات / خوش / نیست / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

در / صورت / آنکه / مردم / است / است / از / یاد / دارند / و / اگر / انتخابات / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

که / آزاد / نبود / مردم / خوش / نیست / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

و / نیز / من / نگفته / ام / که / از / رویه / آقای / دکتر / امینی / خوش / نیست / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

من / بطور / کلی / در / باب / همه / آنها / نگفته / ام / که / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

و / اصلا / همه / حتی / دکتر / آنها / شخص / نمی / شناسم / فقط / گفتم / که / ~~ساز / ان / و / من / مید / از / که / از / ارشاد / شخص / از /~~

جناب آقای علاء وزیر محترم دربار

باشعار وصول مرقومه مورخه ۱۰ آبان جاری مبنی بر استفسار حقیقت اظهاراتی که یکی از اعضای اداره اطلاعات باینجانب اسناد داده بود بضمیمه موادی از گزارش آن شخص درباب فعالیت چند روزه آقای هاریسون سالیسبوری مخبر نیویورک تایمز در ایران اجمالا معروض میدارد که گزارش شخص مزبور را ملاحظه کردم و متاسفانه دیدم که این گزارش شاید بواسطه نقص حافظه مشارالیه که صحبت را که بزبان انگلیسی بود کاملاً ضبط نتوانسته بکند کاملاً مطابق واقع نیست و دارای اشتباهاتی بود که به بعضی از آنها ذیلاً اشاره می کنم: اینک نوشته است فلانی گفت که نسبت بروش دکتر امینی در باب انتخابات خوش بین نیست صحیح نیست اینجانب مانند همیشه گفته ام تاخیر اجرای انتخابات اگر برای ترتیب طرحی برای آزادی وصحت کامل انتخابات باشد شاید فی حد ذاته (ولو آنکه شاید با منطوق قانون اساسی موافقت کامل نداشته باشد) قابل ملامت نیست ولی اگر این منظور بعمل نمی آید یا تاخیر برای تامین آن نباشد (چنانکه عقیده غالب بین مردم حقا یا بخطا چنین است) تاخیر جایز نیست در باب آزادی انتخابات آنچه آن شخص خبر داده تماماً صحیح نیست من هیچ وقت نگفتم که اصولاً در ایران انتخابات به تمام معنی آزاد هرگز بعمل نیامده زیرا که اولین و دومین

مجلس شورای ملی و تاحدی انتخابات مجلس سوم و هم چنین انتخابات دوره اول مجلس سنا کاملاً آزاد بوده و انتصابی نبود و برای ملت بعمل می آمد. من نگفتم که مردم هیچگاه آنطور که نایسته است از انتخابات استقبال نکرده اند و علت عمده آنستکه نسبت با انتخابات خوش بین نیستند در صورتیکه مردم استقبال زیاد دارند، و اگر انتخابات بر فرض محال روزی آزاد شود استقبال عمومی چندین بار مضاعف میشود. ولی فعلاً به واسطه اینکه آزاد نیست و مدتی است که آزاد نبوده مردم خوش بین و امیدوار نیستند و نیز من نگفتم که از رویه آقای دکتر امینی خوش بین نیستم.

راجع به جبهه ملی آنچه نوشته اند دارای اشتباه است. من بطور کلی در باب همه آنها نگفتم که «صد درصد یک جبهه ملی با تمایلات شدید ناسیونالیستی هستند» و اصلاً همه و حتی اکثر آنها را شخصاً نمی شناسم. فقط گفتم که همه آنها تمایل کمونیستی ندارند و بعضی ها را میدانم که از آن جنبه دورند ولی البته افراد مختلف و متفاوت دارند و ممکنست بعضی عناصر افراطی در میان آنها وارد شده باشند ولی گمان نمیکنم کمونیست باشند. البته صلاح نیست که این تندروان کم تجربه و خارج از اعتدال و گاهی غیر عاقل را هم دستی دستی کمونیست بخوانیم و بداهن کمونیستها بیندازیم. بنظر اینجانب مشکل نیست بسیاری از آن جمع را جلب کرده و برآم موافقت

و صلح آورد و همه را بیک گردانیم از این روشی بهتر از این روش نیست با آنها توان داشت

آنچه من آنجا نوشتم جا و بکرات و صد مرتبه گفته ام و هنوز بطور قطع و بوضوح این عقیده را دارم و در مواقع
که چهار بار استبقیاً حضورها یونان و جزایر است که حضور خوب است که حسن انما هم باشد ولو عقلاً بکبار
انتخابات اینجمن بلدی آزاد آزاد و از جانب نبر ملک عمل آید تا معلوم گردد که آیا عناصر کمونیست را اوطحی (نه تندرو
که احترار پذیر را کامل است) بپوشانند و این روش را در کار دارند بدون هیچ کس و صدراعظمی
شوری توانند آن اینجمن را منحل و انتخابات با حضور کمونیست در آن بکنند و اگر این روش را در کار دارند عناصر کمونیست را اوطحی (نه تندرو
مجلس سنی هم همان آواز (البته با شرط سودا در انتخاب کنند باها) انتخاب شوند در آنها را ارادت خالصانه و اعتقاد
نحوه نیتی اعلی حضرتها یونان حضور نگریه و آنچه عقیده استیم بی عرضانه گفتم
در خاتمه سخن ابرام و من گفتم که بنظر اینجانب آقای سالیسبوری بالنسبه شخص فیه و بختی اد آمد و تصور
بهر باشد اینگونه استخاص ما بکنه ارند آزادانه و به تنهایی بیس مردم از هر طریقه رفته و کسب اطلاع کنند که تقنین دار
نتیجه آن نسبت بمقام عالی شخص رسمی نمکنت حسن عقیده عامه باشد و ضمناً برای امر با آنها قابل اعتقاد
و تصور نشود در اجابت او با مردم تحت کنترل بودن و آزار آن نبوده است

های گذشته است .

در پایان به يك اطلاع دیگری می پردازم که یادآور نحوه رفتار با حقوق خصوصی مردم در ایام گذشته است و ضمناً حاوی از اطلاعاتی است درباره مرحوم محمود محمود . پدرم می گفت روزی از سالهایی که رضاخان به منصب فرماندهی کل قوا و لقب سردار سپه رسیدن بود به دیدن محمود پهلوی - که بعدها به محمود محمود شهرت گرفت - رفته بودم . اتفاقاً در همان وقت نامه رسانی آمد و نامه ای برای «محمود» آورد . آن مرحوم پس از اینکه نامه را خواند و اندک مدتی داد و گفت بدنیت شما هم بخوانید . نامه به امضای فرج الله دبیر اعظم (بهرامی) بود و آنقدر که به یادمانده است بر روی کاغذ وزارت جنگ بود . در آن به این مضمون آمد بود که چون حضرت اشرف سردار سپه برای نام خانوادگی خود لفظ «پهلوی» را انتخاب فرموده اند شما نام دیگری را انتخاب کنید!

البته آثار ناخشنودی و عصبانیت در چهره نجیب مرحوم محمود آشکارا شد . چون از ایشان پرسیدم که با این ترتیب چه نامی را بر خود می گذارید گفت همان «محمود» خواهد بود . پس نام خانوادگی محمود را برای خود برگزید . *

مرحوم محمود ، نوشته هایی را که در آن اوقات به چاپ می رسانید بانام محمود پهلوی بوده است . از جمله در سال ۱۳۳۳ قمری مجله پروین را که عبدالرحیم خلخالی صاحب امتیازش بود اداره می کرد و مقاله ای با امضای محمود پهلوی در نخستین شماره آن درج شده است . مرحوم محمود بعدها مقاله هایی که در مجله های آینده و تقدم (میان سالهای ۱۳۰۲ - ۱۳۰۷) نشر کرد با امضای مستعار «رسول نحشی» بنام خود .

وصلح آورد و هدایت کرد که البته این روش نتیجه بهتری از شدت و خصومت با آنها تواند داشت . آنچه من آنجا و همه جا و بکرات و صد مرتبه گفته ام و هنوز بطور قطع و جزم این عقیده را دارم و در مواقع مختلف سه چهار بار حضوراً و مستقیماً بحضور همایونی عرض کرده ام اینست که خوبست که محض امتحان هم باشد ولو اقلایکبار بگذارند انتخابات انجمن پلیدی آزاد آزاد و از جانب ملت بعمل آید تا معلوم گردد که آیا عناصری کمونیست و انراطی (نه تندرو و جاهل که احتراز پذیر کامل نیست) بعده معتد به وارد میشود یا نه و اگر وارد شدند بدون هیچ سروصدا و زحمتی وزارت کشور می تواند آن انجمن را منحل و انتخابات را تجدید کند و اگر نتیجه آن ورود عناصر اشتراکی فساد انگیز نشد آنوقت بگذارند مجلسین هم بهمان قرار (البته با شرط سواد در انتخاب کنندگان) انتخاب شوند . در اظهار ارادت خالصانه و اعتقاد به خوش نیتی اعلیحضرت همایونی تصور نکرده و آنچه عقیده داشتم بی غرضانه گفتم .

در خاتمه می خواهم عرض کنم که بنظر اینجانب آقای سالیسبوری بالنسبه شخص فهمیده و پخته ای آمد و تصور میکنم بهتر باشد اینگونه اشخاص را بگذارند آزادانه و به تنهایی بین مردم از هر طبقه رفته و کسب اطلاع کنند که یقین دارم نتیجه آن نسبت بمقام عالی شخص رئیس مملکت حسن عقیدت عامه باشد و ضمناً برای آمریکائیه هم قابل اعتماد بوده و تصور نشود مذاکرات او با مردم تحت کنترل بوده و آزادانه نبوده است .

در مورد آنچه درباره آزاد بودن انتخابات گفته شده است باید گفت که این اقرار بود تلگرافهایی است دولتی که دکتر مصدق در بیان غیرقانونی بودن مجلسی که قرارداد نفت را در سال ۱۳۱۴ تصویب کرده بود به دست آورده بود و به شورای امنیت ارائه کرد و بتقول آقای الهیار صالح آن تلگرافها که حاکی از دستور وکیل کردن اشخاص بود در صدور رای شورای امنیت به نفع ایران بسیار موثر افتاد . اظهارات تقی زاده در این مشروحه هم گوینده وضع مجلس

* - اسم تلگرافی بانك شاهنشاهی ایران (متعلق به تلگرافی ها) هم «پهلوی» بود و بواسطه همین نوع عملی که با محمود پهلوی شد به «باختر» تبدیل شد .

پرتال جامع علوم انسانی

فرهنگ سکوت

دکتر مهدی پرهام

مجموعه سی مقاله

توزیع کننده انتشارات آسمان